

مبانی دینی عدالت جنسیتی و اشتغال زنان

زهرا کاشانیها

استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

zkashaniha@yahoo.com

چکیده

در فرایند تولید، توسعه، بازار کار و هم چنین رشد اقتصادی هر جامعه، زنان نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. به طوری که هم نیازهای مربوط به خود و خانواده را برطرف می‌کنند و هم جامعه از خدمات و تخصص‌های آنان بهره‌مند می‌شود. از طرفی اسلام به زن استقلال مالی و آزادی کامل اقتصادی داده و نه تنها دست مرد را از اموال او کوتاه کرده؛ بلکه حق قیمومیت در معاملات زن را که سابقه تاریخی داشته از او گرفته، از طرف دیگر مسؤولیت تأمین مخارج خانواده را بر دوش مردان قرار داده است که حکمت این مسأله جانبداری از زن یا مرد نیست بلکه اسلام سعادت بشر را در نظر گرفته است. زنان از طرفی به تناسب جنسیت در حوزه‌های مادری، همسری و مدیریت خانه، نقش به‌سزایی داشته و از سویی هیچ‌گاه و در هیچ برهه‌ای از زمان، از فعالیت خارج از منزل دور نبوده‌اند.

هدف این مقاله بررسی مبانی عدالت جنسیتی در حوزه اشتغال زنان با رویکردی قرآنی و روایی خواهد بود که با روش کتابخانه‌ای به دسته‌بندی آیات و روایات، به تحلیل محتوا پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در مبانی دینی، زنان مالک اموال خود هستند و وظیفه رفع نیاز خانواده برعهده آنان نیست ولی می‌توانند از این حق طبیعی استفاده کنند که البته مشروط بر این‌که تعارضی با حقوق همسر و فرزندان ایجاد نکند و در صورت تعارض با تأمین شرایط و تمهید امکانات، تعارض نقش برطرف شود.

کلید واژه‌ها: اشتغال، عدالت، جنسیت، زنان، مبانی دینی.

دریافت: ۸۹/۱۲/۲۷ پذیرش: ۹۰/۳/۲۸

مسأله کار و اشتغال، محور زندگی انسان‌هاست. به طوری که کلید گشایش استعدادهای بشری بوده و توانایی‌های درونی و بالقوه انسان در سایه تلاش و کار به منصف ظهور می‌رسند. در نگاه دینی-اسلامی- کار و اشتغال به عنوان عملی دنیوی و اخروی است که از اجر و پاداش بسیار برخوردار است. تلاش‌کننده برای اداره زندگی خانواده، جهاد‌کننده در راه خدا محسوب می‌شود و بیکاری در منظر دین به شدت منفور و مذموم حق تعالی است. پیامبر اسلام (ص) برترین جزء از هفتاد جزء عبادت را طلب روزی حلال می‌داند (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲۱).

رفع احتیاج خانواده واجب و رفع نیازهای جامعه واجب کفایی برای همه افراد است. انسان نیازمند دچار نگرانی و فشار روحی است، بنابراین کسب درآمد برای زندگی، سبب تأمین نیازها و در نتیجه ایجاد آرامش روحی انسان می‌شود.

از طرفی در روایتی از امام صادق (ع) آمده است، کار و تجارت بر عقل انسان می‌افزاید و ترک آن عقل را زایل می‌کند «التجاره تزید فی العقل و ترک التجاره مذهبہ للعقل» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۷) و عقل اجتماعی انسان با کار پرورش یافته و زیاد می‌شود. در حدیثی امام باقر (ع) می‌فرماید: «من طلب الرزق من الدنيا استعفاً عن الناس و توسیعاً علی اهله و تعطفاً علی جاره لقی الله عزوجل یوم القیامه وجهه مثل القمر لیلہ البدر».

هرکس برای بی‌نیازی از مردم و تلاش برای رفاه خانواده و مهربانی و خیر خواهی به همسایه خود، در طلب مال و امکانات زندگی بر آید، روز قیامت در حالی که صورتش هم‌چون ماه بدر درخشان است، خداوند را ملاقات می‌کند (کلینی، ۱۳۵۰: ۷۸).

با توجه به اهمیت کار و توصیه‌های اولیا و بزرگان دینی و صبغه عبادی داشتن سعی و تلاش، ضروری به نظر می‌رسد که در این پژوهش به مبانی اشتغال بانوان با رویکردی دینی، پرداخته شود. در مورد اشتغال و به‌خصوص کار بانوان، کتاب‌ها تألیف شده و مقالات بسیاری نوشته شده است که هر کدام در حد خود مفید و ارزشمند است و همین پژوهش‌ها سبب شده است که در دنیای امروز و در کشور ایران، اشتغال بانوان در حد رشد قابل توجهی از نظر کمی و کیفی قرار گیرد، به طوری که در آخرین انتخابات ریاست جمهوری، سخن از وزیر زن و انتخاب او و رأی اعتماد مجلس به میان آمد که قدم بلندی در رابطه با اشتغال زنان در پست‌های مهم مدیریتی می‌باشد.

هدف این پژوهش پرداختن به سؤالاتی است که هنوز از جانب بسیاری از افراد در مورد اشتغال بانوان مطرح است. بنابراین در این تحقیق سعی شده‌است به این سؤالات به طور مبنایی پاسخ داده شود. سؤالاتی نظیر:

آیا توصیه‌های دینی به کار و تلاش، مطلق است یا جنسیتی است؟

معنا و مفهوم عدالت جنسیتی در حوزه اشتغال زنان چیست؟

در مورد اشتغال، زنان تشویق شده‌اند یا مورد نهی قرار گرفته‌اند؟

در صورت تعارض نقش در اشتغال زنان، چه راهکارهایی وجود دارد؟

اهل سنت در مورد اشتغال زنان چه نظراتی دارند؟

این پژوهش که به صورت کتابخانه‌ای است، بررسی گزارش گونه‌ای از حضور اجتماعی و

اشتغال زنان در زمان پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) داده است، آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفته است و با تحلیل محتوی، اصولی را که در مورد اشتغال بانوان می‌توان دریافت کرد، ارائه شده است.

۲- معنا و مفهوم واژه‌ها و اصطلاحات

الف: عدالت

تفسیر عدالت به «برابری» و «تساوی» نزدیک‌ترین مفهومی است که ممکن است به ذهن متبادر شود. در مفردات راغب از عدل به برابری در تقسیم و مساوات تعبیر شده است (راغب، بی تا: ۳۲۵).

قاموس قرآن نیز عدل را «برابری» دانسته است (قرشی، ۱۳۵۲: ۳۰۱). عدل مقابل ظلم است و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل و امر متوسط میان افراط و تفریط را نیز عدل گویند (نگری، ۱۳۳۱: ۲۹۸).

خواجه نصیرالدین طوسی «تساوی در صورت تماثل را در تبیین عدالت اجتماعی مورد تأیید قرار داده و معتقد است دو نفر که از جهت رتبه علمی و قدرت اجرای کار برابرند باید از سهم مساوی و اجرت یکسان در برابر کار بهره‌مند شوند (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۳۱-۱۳۲).

صاحب‌المیزان با این که عدالت را به تساوی معنی کرده ست ولی وجود استعدادها و ظرفیت‌های یکسان را مورد تأیید قرار داده است.

«فان حقیقه العدل هی اقامه المساواه و موازنه بین الامور بأن یعطى کل من السهم ما ینبغى أن یعطاه فیتساوی فی أن کلا منها واقع موقعه الذی یتحققه» (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۳۳۱).

علی (ع) در تعریف عدل چنین فرموده است: «العدل یضع الامور مواضعها» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۷) عدل، یعنی هر چیزی جای خود قرار گیرد.

با وجود این که انسان‌ها همه بر این باورند که عدالت باید اجرا شود ولی یک مفهوم واحد از آن ارائه نشده، هر چند که مفاهیم به هم نزدیک است.

ب: جنسیت^۱

درباره مفهوم جنسیت اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی از متفکران دامنه مفهومی واژه «جنسیت» را توسعه داده‌اند و گزینه‌هایی نظیر درک هویت جنسی، کلیشه‌های جنسی و رضایت از جنسیت و ایفا مناسب نقش‌های جنس^۲ و جنسیتی را نیز در مفهوم «جنسیت» دخیل دانسته‌اند. بعضی دیگر از محققان «جنسیت» را مفهومی می‌دانند که تبعیت از کلیشه‌ها و تصورات قالبی مربوط به باورها و نمادهای جنسی در آن مدخلیتی ندارد. آن چه مسلم است این که کلیشه‌های جنسیتی و باورهای مربوط به کم و کیف نقش‌های جنسیتی در فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون

^۱ - Gender

^۲ - Sex

متفاوت است و این مفاهیم قراردادی در کنش‌های متقابل اجتماعی دستخوش تغییرات دامنه‌داری می‌شوند (مستقیمی، ۱۳۸۷: ۱۳۷-۱۳۸).

مطابق یکی از باورهای رایج درباره مفهوم «جنسیت» و «جنس» واژه جنس به ابعاد بیولوژیکی مردانگی و زنانگی فرد محدود می‌شود ولی جنسیت به صفات و ویژگی‌های اجتماعی هر جنسی اطلاق می‌شود (گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۲).

قابل ذکر است که گروهی هم «جنس» و «جنسیت» را هم معنی دانسته‌اند ولی بیشتر فمنیست‌ها بین این دو واژه تفاوت کلی قائل هستند (میل، ۱۳۷۹: ۳۴).

«جنسیت» در مفهوم روان‌شناسی، کلیه ویژگی‌های جسمانی است که به طور مستقیم به اندام‌های تولید مثل مربوط می‌شود و بر این اساس، جنس مذکر و مؤنث از هم قابل تشخیص شده و سبب تفاوت‌هایی در عمل و عکس‌العمل‌های جسمی و روحی زن و مرد می‌شود (برک، ۱۳۸۴: ۴۵۳).

ج: اشتغال

واژه «اشتغال» به معنای استخدام است، و در معنای جمعی، مجموع فعالیت‌های اقتصادی یک ملت را در ارتباط با افرادی که حایز شرایط کارند، در بر می‌گیرد. در معنای معمول آن، هر نوع کاری اشتغال است که پاداش مالی بر آن مترتب باشد (سفیری، ۱۳۷۳: ۴۲).

۳- عدالت جنسیتی

نادیده انگاری حقیقت وجود زن در عصر مدرنیته در جوامع غربی، آن چنان مقهور نقاط مشترک زن و مرد شده که در این گونه جوامع، حقوق زن به فراموشی سپرده شده است.

قابل ذکر است که در اسناد بین‌المللی و جوامع غربی و نیز جامعه‌شناسی، کم‌تر و بلکه در اصل سخن از «عدالت جنسیتی» نیست بلکه «برابری جنسیتی» مطرح می‌شود و نابرابری جنسیتی را به عنوان ستمی بر زنان طرح می‌کنند و در تعریف آن چنین می‌گویند: «نابرابری جنسیتی، عبارت است از نابرابری زن و مرد در داشتن امکانات موجود» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۷۳) و کرامارا^۱ بر این نظر است که «هر گونه رفتار، سیاست، زبان و دیگر کنش‌هایی که نشان‌دهنده دیدگاه ثابت، فراگیر و نهادینه شده اعضای جامعه نسبت به زنان به عنوان موجوداتی فرودست باشد، به معنای نابرابری جنسیتی است (Krammara, & Treicher, ۱۹۸۵: ۸۵). چافتز^۲ نیز به شرح نقش تعاریف اجتماعی در تولید و باز تولید نابرابری جنسیتی پرداخته است (Turner, ۱۹۹۸: ۲۳۷).

برای حفظ «عدالت» و «امنیت» زن، نه تنها هویت زنانه او نباید در محاق قرار گیرد، بلکه باید به آن توجه شود تا نقش‌آفرینی لازم در زمینه‌ها و ابعاد مختلف این نیمه مؤثر اجتماع به خوبی انجام پذیرد، در این صورت باید مسائل مرتبط به زن و مرد را به دو قسم تقسیم کرد: امور انسانی که

^۱ - Keramara

^۲ - Chafetz

در زن و مرد مشترک است و امور جنسی که هر یک از دو جنس به خود اختصاص می دهد. حقوق طبیعی و فطری از آن جایی پیدا شده که دستگاه خلقت با روشن بینی و توجه به هدف با استعدادهایی که در موجودات قرار داده است آن ها را به سوی کمالاتی که در خور آنهاست سوق می دهد. هر استعداد طبیعی، مبنای یک « حق طبیعی » است و یک « سند طبیعی » برای آن به شمار می آید. استعدادهای طبیعی مختلف است. دستگاه خلقت هر نوعی از انواع موجودات را در مداری مخصوص به خود او قرار داده و سعادت او را هم در این قراردادهاست که در مدار طبیعی خودش حرکت کند. آفرینش در این کار خود هدف دارد و این سندها را به صورت تصادف و از روی بی خبری و نا آگاهی به دست مخلوقات نداده است (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۴۴).

نه تنها ریشه و اساس خانواده بلکه اساس اجتماع و حقوق طبیعی را می توان در طبیعت جستجو کرد، در این صورت از استعدادهای طبیعی دو صنف زن و مرد می توان به حقوق و تکالیف آنها پی برد. حقوق اولی طبیعی افراد اجتماع برابر یکدیگر است و مانند هم حق دارند که از مزایای انسانی خود بهره مند شوند. ولی در میدان کار و تلاش چون استعدادهای متفاوت است، از حقوق اکتسابی متفاوت برخوردار می شوند، در حالی که از نظر حقوق اولی اجتماعی، همه افراد وضع مساوی و مشابهی دارند.

عدالت مورد نظر دین، یک تقسیم کار، مطابق با زن و مرد ایجاد می کند که برای تمام اعضای جامعه مفید است. حقوق و مسؤولیت های یک زن و یک مرد برابرند، اما به طور لزوم مانند هم نیستند، برای درک درست تساوی مورد نظر اسلام باید آن را در موقعیتی بزرگ تر مشاهده کرد. از آن جایی که مسلمانان تمایز میان وظایف دو جنس را در اغلب موارد، طبیعی و مفید تلقی می کنند، مسؤولیت ای مرد و زن تفاوت دارد، به این منظور که تعادلی در این اختلاف های جسمانی مردان و زنان ایجاد و زمینه را برای پذیرش مسؤولیت بزرگ تری که در مسائل جنسی و تربیتی بر عهده زنان است و برای رفاه و خیر جامعه لازم است، تأمین کند (عطارزاد، ۱۳۸۷: ۴۷).

در نگرش الهی، زن و مرد انسان اند و از ویژگی اختیار و انتخاب، مسؤولیت پذیری و استعداد رسیدن به کمال برخوردارند و امکانات لازم برای ارتقای به قرب الهی را دارا بوده و به این ترتیب هر یک می توانند هم گام با بعد انسانی، شأن زنانگی و مردانگی خود را حفظ و در جهت رشد معنوی سیر دهند. دوگانگی در نوع انسانی به طور لزوم به معنای تفاوت ارزش انسانی افراد نیست زیرا ارزش انسانی به میزان سعی و تلاش در ارتقا به درجات کمال است که هر انسانی کسب می کند و به جنس بستگی ندارد. اکنون در کشورهای غربی « تساوی » با « تشابه » و « برابری » با « همانندی » هم معنا به کار برده می شود.

« انسان » بودن سبب فراموشی « زن » بودن شده است، از این رو نهضت فمینیست نه به دنبال برابری و عدالت حقوقی و نفی تبعیض بلکه به دنبال تشابه مکانیکی و همانندی حقوق زن و مرد، بدون توجه به تفاوت استعدادهای و شرایط وجودی و تکوینی آنهاست (عطارزاد، ۱۳۸۷: ۶۹).

از آن جایی که در آموزه های اسلامی، ملاک برتری و فضل انسان ها، تقوا و ارزش های انسانی است که آن هم به نفس و روح آنها تعلق می گیرد، در این صورت مرد بودن و یا زن بودن تفاوت

کرامتی و شرافتی ایجاد نمی‌کند. چنانچه در روایات اسلامی به این مطلب توجه بسیار شده است. به طور مثال در حدیثی امام صادق (ع) می‌فرماید: « فرب إمرأه أفتقه من رجل » بسا زنی که فقیه‌تر و آگاه‌تر از مرد باشد (حر عاملی، ۱۴۱۴ : ۱۷۷). ولی در زمینه‌های جسم و حتی روان، زن و مرد هر یک ویژگی‌های مخصوص به خود را دارند که آن‌ها را از هم متمایز می‌کند.

در آموزه‌های اسلام، روح، مذکر و مؤنث ندارد، نفس مطمئنه، مذکر و مؤنث ندارد- حیات طیبه، مذکر و مؤنث ندارد. آن چه مد نظر است این است که تفاوت‌هایی در دو جنس زن و مرد وجود دارد و این که عده‌ای بخواهند قانون تساوی و یا تشابه در همه موارد بر آنان جاری کنند نه تنها لطفی و عدلی در مورد زنان انجام نداده‌اند، بلکه ظلم بزرگی به آنان کرده‌اند. در این تفاوت‌های تکوینی لطائف حکیمانه بسیار نهفته است که با حساسگری و دقت در آفرینش انجام شده است (کاشانی‌ها، ۱۳۸۲ : ۱۸۶).

خلاصه این که اسلام با وجود این که با تبعیضات موجود میان زن و مرد به شدت مبارزه کرده است، از مساوات میان این دو جانبداری نمی‌کند و به عبارت دیگر نه طرفدار تبعیض است و نه معتقد به تساوی بلکه تلاش می‌کند در جامعه هر یک را در جایگاه طبیعی و شایسته خویش بنشاند، تبعیض را خیانت می‌داند و تساوی را نادرست و طبیعت زن را نه پست‌تر از مرد می‌داند و نه همانند مرد. طبیعت این دو را در زندگی و اجتماع مکمل یکدیگر سرشته و از این روست که اسلام برخلاف غرب طرفدار اعطای حقوق طبیعی به این دو است و زن و مرد هر کدام دو نیمهٔ پیکرهٔ انسان کامل هستند که هر یک آن دیگری را به کمال می‌رساند و این حقیقت در خانواده بسیار نمودار می‌شود.

در هر حال، تفاوت‌های جسمی و مادی بین زن و مرد هرگز نمی‌تواند به عنوان تفاوت‌های ارزشی تلقی شود بلکه میزان تلاش آن دو در رسیدن به قله رفیع کمال و قرب خداوندی است. هر چند باید تلاش کرد که آن چه واقع است، اصلتش را حفظ کند و هنر زن به این است که حقیقت زنانگی و هنر مرد به این است که حقیقت مردانگی را صیانت کنند (کاشانی‌ها، ۱۳۸۲ : ۱۷۵). این کوچک شمردن زن است که واقعیت‌های ارزشمند و انکار ناپذیر وجود او نادیده گرفته شود.

در واقع همهٔ انسان‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. اگر قرار باشد که قانون‌گذار در مقام قانونگذاری همه اختلافات را در نظر بگیرد، کار غیر عملی و ناممکن است و اگر بخواهد بی‌توجه به هرگونه از تفاوت‌ها باشد، خلاف اصول قانون‌گذاری واقع‌گرا و مصالح و مفاسد است. این به این دلیل است که مقررات حقوقی، اعتباری صرف نیست. پس آن اختلافات و تفاوت‌های تکوینی که سبب اختلاف در مصالح و مفاسد نفس‌الامری شود، منشأ تفاوت در حقوق و تکالیف می‌شود و این امر به حکم « ضروری بالقیاس » است؛ یعنی اگر احکام و تکالیف اجتماعی، متناسب با واقعیت‌ها باشد، در صورت رعایت آن قوانین، سعادت فرد و جامعه حاصل می‌شود و چون سعادت فرد و جامعه مطلوب است، پس به حکم عقل باید احکام، حقوق و تکالیف متناسب با واقعیت‌ها و مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی ناظر به هر یک از دو جنس مذکر و مؤنث باشد. « منشأ تفاوت زن و مرد»، جسم

متفاوت زن و مرد و خصایص و ماهیت جسمی هریک از آنهاست، امری که با توجه به واقعیت نگری قرآن و جهت مشکل‌گشایی در آیات قرآن انعکاس پیدا کرده است. این اصل اساسی، منشأ همه مسائل و تفاوت‌ها و هم‌چنین پایه پذیرفتن ضرورت‌هایی است که نادیده گرفتن آن ناممکن است.

فضل جسمی ناشی از خلقت، منشأ توانایی و لیاقت جسمی و قدرت فردی، یک ضرورت زندگی بشری است. اما باید توجه داشت لیاقت جسمی را نباید در «اندازه قدرت جسمی» خلاصه کرد. به طور مثال در این رابطه اگر جسم مردان دارای قدرت بیشتری است، جسم زنان نیز دارای بهره‌وری وسیع‌تر دارد... فضل و توانایی، لیاقت و باروری جسمی، میان زنان و مردان، وابسته به زمینه‌ها و میدان‌هایی است که این جسم‌ها در آن فرصت شکوفایی و بهره‌وری خواهند داشت، نه اینکه به طور ذاتی جسمی بر جسم دیگر فضل و برتری داشته باشد و همین است که اگر جسم مردان مایه مقاومت بیشتر و... است، جسم زنان نیز مولد بشریت و دارای لیاقت زایش است.

مذکر و مؤنث بودن از ذاتیات انسان نیست، افزون بر آن به لحاظ این که انسانیت هرکس به روح اوست و روح از عالم قدس است؛ به خدا نسبت پیدا می‌کند و چیزی که به اضافه تشریفی به خدا اسناد داده شود، منزله از ذکورت و انوثن است (فضل الله، ۱۴۰۵: ۳۳). خلاصه این که "جنسیت زنانه و مردانه به حقیقت ذات و ذاتیات انسانی ربطی ندارد" (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۷۴).

خواجۀ طوسی نیز اگرچه تفاوت‌هایی بین زن و مرد قائل است ولی قائل به تفاوت ذات و ذاتیات در زن و مرد نمی‌باشد (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۳۱).

آن چه قابل توجه است این است که کمیت غیر از کیفیت است. مسلم این است که اسلام حقوق تکوینی برای زن و مرد قائل نشده است و هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست. اسلام اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آن‌ها مخالف است (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۵). بنابراین جنسیت و تمایز زن و مرد، آن‌ها را در دو صنف از یک نوع قرار می‌دهد که شرط آن تمایز، حقوق متفاوت بین آن‌هاست و چیزی نیست جز غایت‌گرا بودن آفرینش و هوشمند عمل کردن نظام خلقت.

۴- در نگاه اسلام اشتغال زنان حق یا تکلیف

در مواجه شدن با مسأله اشتغال زنان، مکاتب مختلف موضع‌گیری‌های متفاوتی داشته‌اند ولی در این میان اسلام نظریات بسیار گسترده‌ای را در مورد کار و اشتغال زنان بیان کرده است. باید توجه داشت که نظریات و رفتارهای نظریه‌پردازان علمی و حاکمان سیاسی که به عنوان اسلام اظهار نظر می‌کنند، از نظر مردم جهان به عنوان دیدگاه اسلامی تلقی می‌شود. در حالی که گفتار و رفتار مسلمانان همواره ملاکی برای شناخت درست از اسلام نیست و برای درک معارف بلند اسلامی، باید از منبع قرآن مجید و تعالیم معصومین (ع) یاری طلبید.

الگوی که بر سیره پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) مبتنی باشد قابل قبول، ارائه و عمل است.

در حال حاضر جوامع اسلامی مواضع گوناگونی در مورد اشتغال زنان انتخاب کرده‌اند. برخی هرگونه حضور و دخالت را در مسائل اجتماعی و به طوری کلی اشتغال زنان حرام می‌شمارند. طالبان در افغانستان، نمونه بارز این تفکر است. گروهی دیگر این مسأله را به موارد خاصی محدود می‌کنند و یا به طور اساسی معدودی از امور را مستثنا می‌دانند، از جمله سردمداران حکومت وهابی عربستان، مشارکت زنان را به طور انحصاری در زمینه پزشکی و تدریس محدود می‌کنند و فعالیت آنان را در موارد دیگر جایز نمی‌دانند.

برخی از جوامع معتقدند، مشارکت زنان در پذیرش شغل اجتماعی باید از محدودیت‌های کم‌تری برخوردار باشد و تنها اموری چون قضاوت را برای آنان جایز نمی‌شمارند. در مقابل گروهی براین باورند که این مشارکت با وجود آن که شرایط خاصی دارد، نمی‌تواند محدودیتی داشته باشد (تهرانی، ۱۳۸۰: ۳).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود صاحب‌نظران دینی و مدعیان اعتقاد به اصول اسلامی، از آرای بسیار متفاوت و گاه متضاد برخوردار هستند ولی چنانچه اشاره شد، شرط ارائه برداشتی درست از آموزه‌های دینی، غور و بررسی در سیره معصومین (ع) است که هم از گفتار و روایات و هم از عمل و رفتار آنها می‌توان به نتایج مفیدی دست پیدا کرد. در عصر پیامبر (ص) کسب و انجام امور اقتصادی زنان، امری رایج بوده است که با توییح و مذمتی از جانب آن حضرت مواجه نبوده است و حتی یکی از معروف‌ترین این تجار - حضرت خدیجه (س) - همسر پیامبر اسلام (ص) بوده است و در جایی از تاریخ نشان داده نشده است که آن با نهی حضرت پیامبر (ص) مواجه شده و یا بعد از ازدواج از تجارت دست برداشته باشد.

قاعده و قانون دینی اقتضا می‌کند که زنان در امر امرار معاش، احساس وظیفه نکنند بلکه به طور صرف مهمان و مصرف‌کننده‌ای آسوده خاطر باشند. طرح نظام مالی دین برای زنان، ثروت‌های بدون درد سری را رقم می‌زند، مثل نفقه، مهریه، ارث. از این رو در اصل مالکیت، نه تنها دین اسلام، حتی حقی را از زنان فرو گذار نکرده است، بلکه زنان را از دغدغه اقتصاد خانواده رها ساخته است... اسلام اصل مالکیت زن و مرد را این‌گونه بیان می‌کند: «لرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن» (نساء، ۳۲).

برای مردان از آن‌چه کسب می‌کنند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آن‌چه به دست می‌آورند بهره است. آیه دیگری که در مبحث اشتغال باید مورد توجه قرار گیرد این است: «فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهن بالمعروف» (بقره، ۲۳۴)، بر شما باکی نیست در آن اموری که زنان در رابطه با خود و از روی معروف انجام می‌دهند.

و این بیان‌گر هدفداری و غایت‌نگر بودن آفرینش است که زن در مورد مسائل معیشت، احساس وظیفه نکند تا به آسودگی خیال به ارتقای روحی، علمی و معنوی خود بپردازد و فطرت خود را هر چه بیشتر و بهتر شکوفا کند چرا که مسؤولیتی بس عظیم در پیش رو دارد و آن تربیت

انسان‌هاست.

آن‌چه که از قرآن و روایات استنباط می‌شود این است که زنان صاحب آن‌چه به دست آورده‌اند می‌باشند (نساء، ۳۲) ولی با این وجود وظیفه رفع نیاز و اقتصاد خانواده بر دوش آنان نیست، چرا که دست تکوین وظیفه‌ای بس مهم بر دوش آن‌ها قرار داده است ولی با مصلحت‌اندیشی و بررسی استعدادها و علایق خود و داشتن فرصت می‌تواند به امور کسب و اشتغال بپردازد، به هر حال این امر تکلیف نیست بلکه حقی است که می‌توانند از آن استفاده کنند.

۵- بررسی مبانی نظری اشتغال زنان در اسلام

در اسلام زنان و مردان در مسائل اجتماعی شریک‌اند و از حرکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های جمعی منع نشده‌اند. ولایت و مدیریت اصلاحی جامعه به عنوان یک مسؤولیت بزرگ بر دوش زنان و مردان، بالسویه قرار گرفته است.

«و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیا بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و ...» (توبه، ۷۱).

مردان مؤمن و زنان مؤمن، برخی بر برخی ولایت (سرپرستی) دارند، یکدیگر را به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند و ...

«بیعت» از امور سیاسی اجتماعی است که در صدر اسلام زنان شرکت کرده و در صحنه حاکمیت حضوری فعال داشتند، بر اساس قرآن کریم با زنان جدای از مردان «بیعت» انجام شده است.

«یا ایها النبی اذ جاءک المؤمنات یتابعنک علی عن لایشرکن بالله شیئا و...» (ممتحنه، ۱۲).
ای پیامبر اگر زنان مؤمن نزد تو آمدند بیعت کنند، به شرط آن که هیچ کس را با خدا شریک نکنند و... با آنان بیعت کن.

در روز غدیر نیز در روایات آمده است که برای بیعت زنان با امام علی (ع) ظرف آبی آوردند و زنان با دست نهادن در آب با امام به عنوان رهبر آینده جامعه اسلامی بیعت کردند (حکیمی، ۱۳۸۵: ۳۷).

زنان در نهضت سیاسی «هجرت» مشارکت کردند. آن‌جا که قرآن می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا اذا جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن...» (ممتحنه، ۱۰).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون زنان مؤمن که مهاجرت کرده‌اند، به نزد شما آیند، آن‌ها را بیازمایید...

در هجرت به حبشه ۱۱ مرد و چهار زن شرکت داشتند که بعدها مردها به ۸۲ و زن‌ها به ۱۸ تن رسیدند (ابن هشام، ۱۴۱۵: ۳۵۸ و ابن اثیر، ۱۲۸۵: ۳۷).

نهضت عاشورا بهترین نمونه‌ای است که حضور سیاسی اجتماعی زنان را نشان می‌دهد و نیز در حماسه انقلاب اسلامی ایران نیز نقش‌آفرینی زنان بر کسی پوشیده نیست.

بر اساس روایات، زنان نقش اجتماعی مهم در نهضت و انقلاب جهانی امام مهدی (عج) خواهند

داشت. به طوری که امام باقر (ع) می‌فرماید: «... و تجئ والله ثلاثاً و بضعة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأة» (عیاشی، ۱۴۱۱: ۶۵).

به خدا سوگند سیصد و سیزده تن از مردان نزد او آیند که با آنان پنجاه زن نیز هست. در همه مشاغل اجتماعی، زنان می‌توانند نقش داشته باشند و فقط بعضی از فقها قضاوت و مرجعیت را استثنا کرده اند.

برای تبیین و درک مبانی اسلامی اشتغال زنان چند مسأله باید بررسی شود.

۱- اطلاق آیات و روایات مبتنی بر سعی و تلاش

۲- تقریر پیامبر (ص)، ائمه معصومین (ع) و بررسی عملکرد آن بزرگان

۳- مبانی عقلی اشتغال زنان

۴- وجود استثنا در بعضی از مشاغل زنان

با توجه به موارد فوق می‌توان به این نتیجه دست پیدا کرد که زنان از اشتغال و کسب درآمد ممنوع نشده‌اند، در این صورت به بررسی یکایک موارد پرداخته می‌شود.

۱- اطلاق آیات و روایات مبتنی بر سعی و تلاش

در فرهنگ غنی اسلامی کار و تلاش اهمیت بسیاری داده شده در قرآن مجید، ارزش انسان با سعی و تلاش او تعیین می‌شود: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم، ۳۹) و آن قدر مسأله کسب و کار حائز اهمیت است که با این که آیات قرآن به طور معمول با یک خطاب مردان و زنان را متوجه دستورات و تعالیم خود می‌گرداند، در آیات مربوط به کسب و مالکیت دو حکم مجزا برای مردان و زنان به کار می‌برد «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا... وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ» (نسا، ۳۲).

روایات بسیاری تشویق‌کننده افراد به کار و تلاش است که به طور مطلق ذکر شده است از این رو شامل زن و مرد، یعنی هر دو می‌شود: «ان الله يحب المؤمن المحترف» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۸) خداوند مؤمن صاحب شغل را دوست دارد. «ان الله يحب المحترف الامين» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۴۳) خداوند صاحب شغل امانتدار را دوست دارد.

در اسلام پیامبر (ص) و ائمه هدی (ع) داشتن کار و اشتغال را عملی دنیوی و اخروی قلمداد کرده‌اند و کسی را که در راه اداره زندگی خانواده‌اش تلاش می‌کند، «جهادکننده در راه خدا» دانسته است «الكاد في عياله كمجاهد في سبيل الله» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۴۳).

بیکاری در اسلام به طور جدی مورد مذمت قرار گرفته و برعکس تشویق به تلاش و کار شده است؛ به طوری که در روایات آمده است: کسی که به کار و تلاش مشغول است از کسی که کارها را رها کرده و به عبادت خدا مشغول شده است، اجر و پاداشی فزون‌تر دارد و در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که دعای فرد بیکار هر چند عابد باشد، مستجاب نمی‌شود (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲۷).

پیامبر اسلام (ص) طلب روزی حلال را برترین جزء از هفتاد جزء عبادت دانسته است (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲۱).

همه موارد فوق که در آیات و روایات ذکر شده، اطلاق دارد و استثنایی در کار نیست. از این رو ارزش کار و تلاش و مذمت بیکاری برای هر انسانی می‌باشد و در این میان تفاوتی بین زن و مرد گذاشته نشده است.

خطاب‌های قرآن عام است و شامل همه مردان و زنان می‌شود. در سنت نیز چنین است؛ یعنی اصل در تکالیف و مسؤولیت‌ها عام بودن است، مگر استثنایی و یا قرینه‌ای باشد.

جمهور علما و مفسران متفق‌اند که نصوص احادیث نبوی با وجود صیغه مذکر، متوجه تمامی مسلمانان و مؤمنان است، مگر آن‌که قرینه‌ای بر تخصیص آن داشته باشیم (دروزه، ۱۹۸۵: ۸۲).

۲- تقریر پیامبر (ص)، ائمه معصومین (ع) و بررسی عملکرد آن بزرگواران

مطلب دیگری که به عنوان ادله جواز اشتغال زنان مطرح شده، سکوت پیامبر در برابر کار زنان بوده است، پیامبر اسلام (ص) با زنی ازدواج می‌کنند که تاجر است و در زمانی ازدواج می‌کند که زنان شغل‌های مختلفی داشته‌اند.

رسول اکرم (ص) در جنگ‌ها و مسافرت‌ها از نیروی کار زنان در موارد مختلف استفاده می‌کرد و تلاش آن‌ها را ارج می‌نهاد که برای نمونه مواردی ذکر می‌شود. در جنگ «احد» فاطمه زهرا (س) شرکت کردند و علاوه بر رساندن آب و غذا به رزمندگان، به معالجه مجروحان پرداختند و جراحات رسول خدا (ص) را با کمک علی (ع) درمان کردند. (بخاری، بی‌تا، ۳۲۶).

از دیگر زنان «ام زیاد الاشجعیه» است که در جنگ خیبر شرکت کرد و بعد از پیروزی، همانند مردان به او غنیمت جنگی داده شد (کحاله، ۱۹۸۳: ۴۳؛ عسقلانی، ۱۴۰۸: ۴۵۳ و ۲۳۵).

«رفیده الاسلامیه» مشهورترین طبیب زن در زمان خود بود. او در غزوات بسیاری شرکت کرد و مجروحان را مداوا می‌کرد. در جنگ خندق، پیامبر اسلام (ص) خیمه‌ای را به او اختصاص داد تا مجروحان را نزد او ببرند (عسقلانی، ۱۴۰۸: ۸۱).

موارد یاد شده و نمونه‌های بسیار دیگر، کار در خارج از منزل می‌باشد که زیر نظر رسول اکرم (ص) انجام می‌شده است.

مواردی بوده که زنان به طور مستقیم وارد کارزار می‌شدند، یا رزمندگان اسلام را تشویق و تحریض به جنگ می‌کردند و یا گاه با خواندن اشعار حماسی، روحیه سلحشوران را تقویت می‌کردند و گاهی مانع فرار بعضی از سپاهیان می‌شدند.

به طور مثال برای نمونه «صفیه»، عمه پیامبر اسلام (ص) در «احد» به هدف درمان مجروحان و آب رساندن به مبارزان شرکت کرد و در حالی که نیزه‌ای بر دست داشت، بر پشت مردان فراری می‌کوفت و می‌گفت: «از رسول خدا فرار می‌کنید؟!» (کحاله، ۱۹۸۳: ۳۴۲).

در زمان علی (ع) نیز زنان بسیاری به پشتیبانی از ولایت در جنگ شرکت می‌کردند. برای مثال

در جنگ « صفین»، « ام الخیر بنت الحریش البارقہ» در حالی که بر شتری سوار بود و در دست تازیانه‌ای داشت؛ با نطق‌های مهیج، روح شجاعت را در سربازان تقویت می‌کرد. این عمل « ام الخیر» آن قدر مؤثر بود که سالیان سال طعم تلخ آن در مذاق معاویه مانده بود و فراموش نمی‌کرد (کحاله، ۱۹۸۳: ۳۸۹؛ جمعه، ۱۴۱۷: ۲۱۴-۲۱۵).

توجه به این نکته ظریف تاریخی که هیچ کس بدون اجازه امیرالمؤمنین (ع) در جنگ‌ها اجازه صحبت کردن نداشت، مشخص می‌سازد که تبلیغات و تهییج رزمندگان از سوی زنان امری است که مورد تأیید اسلام است (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۳۱۳).

با توجه به این که زنان در جبهه‌های نبرد به منظور کمک به رزمندگان حضور پیدا می‌کردند و برای دفاع از خود سلاح حمل می‌کردند و در موارد لزوم نیز می‌جنگیدند، تأییدی بر جواز حضور زنان در اجتماع است. برای نمونه «نسیبه بنت کعب الانصاریه» که به «ام عماره» شهرت داشت، در حال آب دادن به رزمندگان، با مشاهده فرار مسلمانان و تنها ماندن پیامبر (ص) مشک آب را به زمین انداخت و سلاح به دست گرفت و عاشقانه از رسول خدا (ص) دفاع کرد و در این راه جراحات بسیاری برداشت. پیامبر (ص) از پسر «ام عماره» خواستند که زخم مادر را ببندد ولی او دوباره به جنگ ادامه داد و پسرش را نیز تشویق به جنگ کرد. پیامبر (ص) درباره شجاعت «ام عماره» فرمود: به راست و چپ متوجه نشدم، مگر آن که او را دیدم که می‌جنگید. او در جنگ‌های خیبر و حنین نیز شرکت داشت و یکی از دلاوران قریش را به هلاکت رساند و بعد از وفات پیامبر (ص) در جنگ «پمامه» شرکت کرد و یک دست خود را فدا کرد (ذهبی، ۱۴۰۶: ۲۸۱-۲۸۷).

«واقدی» نقل می‌کند رزمندگان اسلام را خواب فراگرفت و زنانی از جمله «نسیبه الانصاری» و «ام ابان» و «نعمانه ابنه المنذر» و... در حالی که به طور کامل مسلح به سپر و شمشیر بودند، به حراست و نگهبانی سپاه مسلمین پرداختند (واقدی، ۱۳۶۹: ۱۸۷).

زنان بسیاری در زمان رسول اکرم (ص) و نیز در زمان ائمه هدی (ع) از مشاغل علمی، فرهنگی و فقهی برخوردار بودند و گاه بر مسند فتوا تکیه می‌زدند. که مهم‌ترین آن‌ها حضرت فاطمه زهرا (س) و شاگرد آن حضرت، «فضه نوبیه»، خدمتگزار حضرت زهرا (س)، «ام سلمه»، که از بزرگان علمی و فرهنگی روزگار خویش بودند و «شهبه» ملقب به «فخر النساء» در مسجد جامع بغداد، جلسات عمومی تدریس داشته و ادبیات و تاریخ درس می‌داد و در جلسات او بسیاری از علما و فضلا حاضر بودند. آموزش و تدریس ایشان تنها به زنان اختصاص نداشت بلکه مردان نیز در نزد آنان شاگردی می‌کردند (ابن سعد، ۱۳۸۸: ۵۳۳). و موارد بسیار دیگر که به کتب مربوطه ارجاع شود.

همه موارد فوق بیان‌گر حضور فعال فرهنگی، اجتماعی، سیاسی زنان در جامعه و در صدر اسلام است که عدم ممنوعیت مشارکت و اشتغال زنان در جامعه و نیز موافقت رسول خدا (ص) و ائمه طاهریین (ع) را نشان می‌دهد. «به شهادت تاریخ و روایات ائمه اطهار (ع) اشتغال زنان در عصر رسالت و امامت به شکل گسترده به چشم می‌خورد، به طوری که در تمام شغل‌های رایج آن زمان، زنان حضوری فعال داشتند و بخش عمده‌ای از نیروی کار، تخصص‌های مور نیاز و امر تولید را به

عهده گرفته بودند. به استناد روایات، رسول خدا (ص) و امامان معصوم (ع)، ترویج دهنده اشتغال زنان بوده یا حداقل آن را پذیرفته اند».

این مسأله تا جایی مطرح شده که حتی گاهی در حد واجب کفایی و یا در مواردی واجب عینی، به آن پرداخته شده و اگر در بعضی از این ادوار برخی عوارض جانبی و مفسده‌های عارضی و یا محدودیت‌های طبیعی، عرفی و اجتماعی، زنان را از برخی مشاغل بازداشته، این موضوع تنها در مورد زنان مطرح نبوده و محدودیت‌ها برای مردان نیز وجود داشته است. در بسیاری از موارد زنان تبرعاً و به امید ثواب اموری را انجام می‌داده‌اند و برای زحمت خود پولی دریافت نمی‌کردند (تهرانی، ۱۳۸۰: ۹۳).

از مشاغل رایج زنان در سده اول اسلام در این‌جا مواردی را ذکر می‌شود که مورد توجه و تأیید پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز بوده است.

«زینب بنت جحش» همسر پیامبر اسلام (ص) زنی صنعت‌گر و پر تلاش بود و کار او مورد تأیید پیامبر اسلام (ص). او در خانه حضرت به کار می‌پرداخت و با دست‌هایش دباغی و خرازی می‌کرد و منافع حاصل از کار خود را صدقه می‌داد (ابن اثیر، ۱۲۸۵: ۴۶۳).

«رائطه یا ریطه» همسر «عبدالله ابن مسعود» صحابی مشهور پیامبر (ص) است. او زنی دانشمند و در ضمن صنعت‌گری پر تلاش بود که تأیید کار خود را از پیامبر (ص) داشت. او درآمد خود را در راستای آسایش شوهر و فرزندان هزینه می‌کرد (ابن اثیر، ۱۴۱۴: ۴۶۱).

حرفه پارچه‌بافی و ریسندگی، شغل عده زیادی از زنان عصر پیامبر (ص) بود. از جمله آن زنان «اسماء بنت یزید» و نیز «مخه بنت الحارث المروزیه» خواهر زاهد مشهور «بشرحافی» که پنبه را نخ می‌کرد و آن را می‌فروخت و علاوه بر تأمین مخارج خود، مازادش را انفاق می‌کرد (جمعه، ۱۴۱۴: ۵۹۷).

«ام رعله» یکی از آرایشگران دوره جاهلی است. او حرفه خود را بر پیامبر (ص) عرضه کرد و از آن حضرت برای ادامه کار خود اجازه گرفت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۳۱). ممکن است کسی بگوید که مشاغل فوق در خانه انجام می‌شده است و نیازی به خروج از خانه نداشته است و لذا مورد تأیید پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) بوده است. در این‌جا برای نمونه مشاغلی را که ذات آن با خارج منزل مناسبت دارد، ذکر می‌شود:

شغل چوپانی و دامداری از مشاغلی است که پیشینه بسیار قدیمی و طولانی دارد. چنان‌چه در قرآن خداوند از دختران حضرت شعیب (ع) به عنوان چوپان یاد فرموده است (قصص، ۲۳).

«میمونه» همسر پیامبر اسلام (ص) زنی از کنیزکان خود را آزاد کرد. رسول اکرم به او فرمود: «اگر او را به خانواده‌ات می‌دادی تا برای ایشان گوسفند بچرانند، بهتر بود» (بخاری، بی تا: ۲۳۴). و این خود تأییدی بر شغل چوپانی زنان بود.

«قیله الانماریه» یکی از زنان تاجر است که نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و گفت: «من زنی هستم که به شغل خرید و فروش کالا اشتغال دارم»، آن‌گاه یک مسأله حقوقی را مطرح کرد و آن حضرت ضمن تأیید شغل وی به سؤالاتش نیز پاسخ داد (ابن اثیر، ۱۲۸۵: ۵۳۵).

در وسایل حر عاملی آمده است: پیامبر (ص) به «ام حبیب» که حرفه‌اش پزشکی و جراحی بود فرمود: ای ام حبیب! آیا کاری که پیش از این انجام می‌دادی امروز هم انجام می‌دهی؟ گفت: آری مگر این که مرا از این کار نهی کنی. پیامبر (ص) فرمود: حلال است و آن‌گاه در این مورد به او چیزهایی آموخت (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۲۹). و در جایی دیگر می‌نویسد: رسول خدا به زنان جوان اجازه داد تا در مراسم عید قربان و فطر از منزل‌های خود خارج شوند و برای تهیه روزی بساط بگسترانند (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۴۷۲).

«اسماء بنت یزید» که از بهترین زنان سخنور، شجاع و دانشمند صحابی است، زمامدار ناقه رسول اکرم (ص) خوانده شده است. او که خود از محدثان اسلام است می‌گوید: «من زمام شتر رسول خدا (ص) را که «غضباء» نام داشت، می‌گرفتم.

کشاورزی از جمله مشاغلی است که در مزرعه و خارج خانه انجام می‌پذیرد و عده زیادی از زنان در عصر پیامبر (ص) به این شغل می‌پرداختند. چنان‌چه عده‌ای می‌گفتند: مدینه از کار زنان سر سبز و خرم بود. همسر «زبیر بن عوام» و «اسماء بنت ابوبکر» از زنانی بود که به فن باغداری آشنا بودند (بخاری، بی تا، ۳۹۳).

کارهای بازار، احتساب، رضاعت و حضانت، مشاغل خدماتی، دباغی، خیاطی و بسیاری از مشاغل دیگر که زنان در سده اول به آن می‌پرداختند و هیچ‌گاه منعی در این مورد دیده نشد. اگر در بعضی روایات، حرفه‌ای مورد منع و حرمت قرار گرفته است؛ به طور قطع این منع شامل مشاغل مردان نیز بوده است.

۳- مبانی عقلی اشتغال زنان

از آن جایی که زنان از نظر خلقت انسانی و گوهر وجودی با مردان تفاوتی ندارند و همه لوازم رشد در وجودشان نهفته است و از آن جایی که مانند مردان می‌توانند به تکامل شایسته یک انسان نائل گردند، بنابراین آن‌چه را که حسن و قبح عقلی و ذاتی تعیین‌کننده آن باشد، شرع نیز آن را تأیید می‌کند و این مطلبی است که آیات قرآن بر آن صحنه گذاشته است. منع زنان از پرورش استعدادها و به کمال رساندن خویش به حکم عقل قبیح و مذموم است. از آن جایی که شرکت در اجتماعات و فعالیت در جامعه انسانی به رشد عقل و فهم اجتماعی انسان کمک شایانی می‌کند، بنابراین از نگاه عقل هیچ‌گونه منعی برای اشتغال زنان وجود ندارد. در حدیثی امام صادق (ع) می‌فرماید:

«من ترک التجاره ذهب ثلثا عقله» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۸).

کسی که تجارت و تلاش را ترک کند، دو سوم عقلش از بین می‌رود.

غیر از این که حدیث اطلاق داشته و شامل مرد و زن می‌شود، رشد و تکامل عقل در جامعه امکان می‌پذیرد که تجارت از مصادیق حضور در اجتماع می‌باشد.

شرکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی بدون اشکال است، مگر این که دلیلی از خارج آن را محدود و ممنوع کند، که این مسأله شامل مردان نیز می‌شود.

۴- موارد استثناء در مشاغل زنان

این که در بعضی روایات، زنان از بعضی مشاغل ممنوع شده‌اند، در درجه اول خود دلیلی بر جواز مشارکت اجتماعی و کار بانوان است.

در بعضی از روایات مشاغلی مانند ریاست دولت، قضاوت و مرجعیت از زنان بر داشته شده است که آن‌هم به طور مستقیم و مستقل منعی وجود ندارد بلکه استنباط از روایات برای گروهی از فقهاء سبب نهی زنان از آن‌گونه مشاغل اجتماعی شده است که همان‌طور که اشاره شد، ابتدا نظر همه علما نیست و دوم این که بنا بر دلایل بسیاری این گونه از روایات از نظر سند و دلالت قابل مناقشه است. چنانچه در کتب مربوطه ذکر شده است و در حوصله این مقاله نیست.

مسأله دیگر تعارض اشتغال زنان با دیگر نقش‌های آنان است، برای مثال اگر شغل زن سبب شود که مرد از حقوق جنسی باز بماند و در این مسأله با مشکل مواجه شود و یا فرزندان از حقوق اولیه شان محروم گردند، از مواردی است که به حکم عقل و شرع و عرف، زن باید اولویت‌سنجی کند که البته نوع زنان این مسأله را لحاظ می‌کنند و حاضر نیستند به هر قیمتی وارد بازار کار شوند. مگر این که به طور واقعی بدون شغل او گذران زندگی ناممکن باشد.

البته موارد دیگری ممکن است سبب کناره‌گیری زن از اشتغال شود، برای مثال زمانی که عفت او تهدید شود و یا شغل با حیثیت او ناسازگار باشد و... که البته این گونه استثنائات برای مردان نیز ممکن است به وجود آید.

اما مطلب بعدی که جای تأمل و بحث دارد، این است که نظر اهل سنت در مورد اشتغال زنان چیست؟ در این رابطه باید گفته شود که در این مقاله برای پاسخ به سؤالات تحقیق غیر از استدلال‌های عقلی، از آیات و روایات استفاده شده است. استدلال عقلی که مورد قبول هر انسانی است که ستیزی با عقل نداشته باشد و آیات قرآن مجید نیز مورد قبول همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی است. اما در مورد روایات، در این مقاله، از کتب روایی مختلف شیعیان و اهل سنت بهره گرفته شده است، برای مثال کتبی چون «صحیح بخاری»، «مغازی واقدی»، «اسدالغابه و الکامل فی التاریخ ابن اثیر»، «فتح الباری ابن حجر عسقلانی»، «طبقات الکبیر ابن سعد» و بسیاری کتب روایی که متعلق به اهل سنت است و بیانگر نظرات این گروه از مسلمانان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، پیام‌ها و نتایج راهبردی زیر به دست می‌آید.

۱- زنان به عنوان نیمی مؤثر از پیکره اجتماع با ایمان به محوریت خانواده و تربیت و پرورش انسان‌های متعالی در صحنه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... اشتغال دارند و با بردباری و ایثار در رشد جامعه با افزایش تولیدات اقتصادی، خدماتی، بهداشتی و اداری نقش مؤثری را ایفا می‌کنند.

اشتغال زنان در مشاغل مختلف از جمله شرایط تحقق عدالت اجتماعی است، مشروط بر این که

با توجه به نقش و اهمیتی که دین اسلام برای نقش زنان در خانواده قائل شده است، قوانین و مقررات به نحوی تنظیم شود که زنان بتوانند مدیریت لازم را در کار منزل و خارج از منزل داشته باشند و مشکلات آنان مورد توجه مسئولان قرار گرفته و متناسب با آن قانون گذاری شود.

۲- برای دستیابی به عدالت اجتماعی و رعایت انصاف، زنان باید در فرایند سیاست گذاری و تصمیم سازی و تصمیم گیری های جامعه مشارکت داشته و در تصویب قوانین و لوایح نقش مؤثر داشته باشند.

۳- خواه ناخواه، افکار نو و شیوه های جدید زندگی؛ هم چنین سهولت کارهای منزل، زن را به تلاش در محیط های اجتماعی هر چه بیش تر سوق خواهد داد، اما باید سعی شود ابعاد شکاف و فاصله بین خانه و کار خارج از منزل کم شود تا تعادل معقول بین وظایف و نقش های متعدد زنان ایجاد شود.

۴- از بررسی آیات قرآن کریم چنین بر می آید که زنان و مردان در کنار هم مورد خطاب خداوند قرار گرفته اند و به جز موارد خاص که احکام دوگانه ای برای دو جنس زن و مرد تشریح شده و ناظر به ویژگی های ذاتی، عرضی و قوای منفعله آنان است، مسؤولیت تأمین اقتصادی خانواده بر عهده مرد است ولی زن در این صورت از استقلال مالی برخوردار است و حق کار و تملک دارد.

۵- در سده اول ظهور اسلام و حتی قبل و بعد آن زنان دارای مشاغلی بوده اند. از آن جایی که اسلام در بعضی موارد قوانین پیش از خود را گاه امضا، گاه لغو و گاه اصلاح کرده است، در حالت کلی حرفه و شغل زنان را غیر از موارد حرام امضا نموده است و در مورد مشاغلی مانند حاکمیت، قضاوت و مرجعیت نیز مسأله مورد اختلاف است.

۶- مسأله دیگر تعارض اشتغال زنان با دیگر نقش های آنان است، مثل زمانی که مرد و یا فرزندان از حقوق اولیه خود محروم شوند، از مواردی است که به حکم عقل و شرع و عرف، زن باید اولویت سنجی کند که البته نوع زنان این مسأله را لحاظ می کنند و حاضر نیستند به هر قیمتی وارد بازار کار شوند، مگر این که واقعاً بدون شغل او گذران زندگی آن ها ناممکن باشد.

۷- مطلب بعدی نظر اهل سنت در مورد اشتغال زنان است. در این مقاله برای پاسخ به سؤالات تحقیق غیر از استدلال های عقلی، از آیات و روایات استفاده شده است. استدلال عقلی که مورد قبول هر انسانی است که ستیزی با عقل نداشته باشد و آیات قرآن مجید نیز مورد قبول همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی است. اما در مورد روایات، در این مقاله از کتب روایی مختلف شیعیان و اهل سنت بهره گرفته شده است برای مثال کتبی مانند «صحیح بخاری»، «مغازی واقدی»، «اسدالغابه و الکامل فی التاریخ ابن اثیر»، «فتح الباری ابن حجر عسقلانی»، «طبقات الکبیر ابن سعد» و بسیاری کتب روایی که متعلق به اهل سنت است و بیانگر نظرات این گروه از مسلمانان می باشد و هر دو فرقه در عمل نیز در جهان امروز به کار های اجتماعی اشتغال دارند.

در صورت مشخص شدن ارزش اشتغال زنان، ایجاد آگاهی در بین اعضا خانواده و آگاهی دادن به افراد جامعه، امید است تا همکاری های لازم با زنان شاغل در خانواده و جامعه افزایش پیدا کند.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

قرآن مجید

نهج البلاغه

ابن الاثير، عز الدين ابوالحسن، علي بن ابي الكرم، محمد بن عبدالكريم بن عبدالواحد الشيباني (٢٨٥ق)، *اسد الغابه في معرفة الصحابه*. مصر: جمعية المعارف المصريه.

ابن الاثير، عز الدين ابوالحسن، علي بن ابي الكرم، محمد بن عبدالكريم بن عبدالواحد الشيباني (٤١٤ق)، *الكامل في التاريخ*. تحقيق مكتب التراث، بيروت: دار احياء التراث العربي.

ابن حجر العسقلاني الشافعي، ابوالفضل شهاب الدين احمد ابن علي بن محمد (٤٠٨ق). *فتح الباري في شرح صحيح البخاري*. بيروت: دار احياء التراث العربي.

ابن سعد، محمد (٣٨٨ق). *الطبقات الكبير*. بيروت: دارالصادر.

ابن هشام، عبدالملك (٤١٥ق). *السيره النبويه*. تحقيق مصطفى السقاء ابراهيم الابياري و عبد الحفيظ شلبي، بيروت: دار احياء التراث العربي.

بخاري، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل، بي تا، *الجامع الصحيح*. شرح محب الدين الخطيب، بيروت: دار احياء التراث، العربي.

برك، لورا اي (١٣٨٤ش). *روانشناسي رشد*. ترجمه يحيى سيد محمدى، تهران: ارسباران.

تهراني، زهرا (١٣٨٠ش). *بررسي مشاركت و اشتغال زنان از ديدگاه قرآن و حديث*. تهران، پايان نامه كارشناسي ارشد.

جمعه، احمد خليل (١٤١ق). *نساء من التاريخ دمشق*. بيروت: دار ابن كثير للطباعه و النشر و التوزيع.

جمعه، احمد خليل (١٤١ق). *نساء اهل البيت في ضوء القرآن و الحديث*. دمشق، بيروت: اليمامة للطباعه و النشر و التوزيع.

حكيمي، محمد (١٣٨٥ش). *دفاع از حقوق زن*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي.

جوادي آملی، عبدالله، ١٣٧١ش، *زن در آينه جلال و جمال*، تهران: مركز نشر فرهنگي رجا.

الحر العاملي، محمد بن حسن (١٤١٤ق). وسائل الشيعه. ج ١٧ و١٢، شرح محب الدين الخطيب، بيروت: دار احياء التراث العربى.

دروزه، محمد عزه (١٩٨٥ م). المرأة فى القرآن و السنه، ج ٢، دمشق: دار الجليل.

دشتى، محمد (١٣٨ش). نهج البلاغه. ج ٣، قم: مؤسسه تحقيقات اميرالمؤمنين (ع).

ذهبي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن احمد بن عثمان (١٤٠٦ ق). سيره اعلام النساء. بيروت: مؤسسه الرساله.

راغب اصفهانى، ابى القاسم الحسين بن محمد (بى تا). المفردات فى غريب القرآن. تحقيق و ضبط محمد سيد كيلانى، بيروت: دار المعرفه.

سفيرى، خديجه (١٣٧٣ش). اشتغال زنان و مديريت. مجله دانش مديريت، ش. ٢٤.

طباطبايى، محمد حسين (١٣٩٤ق). الميزان فى تفسير القرآن. تهران: مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان.

طوسى، نصيرالدين محمد (١٣٦٠ش). اخلاق ناصرى. تصحيح مجتبى مينوى و عليرضا حيدرى، ج ٢، تهران: خوارزمى.

عطار زاده، مجتبى (١٣٨٧ش). بررسى تطبيقى مفهوم جنسيت در اسلام و غرب. مطالعات راهبردى زنان، ش. ٤٢.

عياشى، محمد بن مسعود (١٤١١ق). تفسير عياشى. ج ٢، بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات.

ضل الله، محمد حسين (١٤٠٥ ق). المرأة فى ظل الاسلام. ترجمه مريم نورالدين، ج ٤، بيروت: انتشارات دار الزهرا.

كلينى، محمد يعقوب (١٣٥٠ش). فروع كافي. ج ٥، تهران: دار الكتب الاسلاميه.

قرشى، سيد على اكبر (١٣٥٢ش). قاموس قرآن. ج ١، تهران: دارالكتب الاسلاميه.

كاشانيها، زهرا (١٣٨٢ش). زن مظهر جمال خد. ج ٢، تهران: انتشارات رامين، چاپ دوم.

کحاله، عمر رضا (۱۹۸۳ق). *اعلام النساء*. چ ۹، بیروت: مؤسسه الرساله.

گولومبرک، و فی وش، رابین (۱۳۸۴ش). *رشد جنسیت*. ترجمه مهرناز شهر آرای، چ ۳، تهران: انتشارت ققنوس.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. چ ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء.

مستقیم، مهدیه سادات (۱۳۸۷ش). *تحلیلی فلسفی از رابطه ارزشمندی ذاتی و جنسیت*. مجله مطالعات راهبردی زنان، ش. ۴۲.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ش). *نظام حقوق زن در اسلام*. چ ۲۷، تهران: انتشارات صدرا.

میل، جان استوارت (۱۳۷۹ش). *انقیاد زنان (کنیزک کردن زنان)*. ترجمه علاءالدین طباطبایی، تهران: هرمس.

نگری، قاضی عبدالنبی بن عبدالرسول احمد (۱۳۳۱ش). *دستورالعلماء*. چاپ ۱، حیدرآباد.

واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶ش). *مغازی*. ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، چ ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱-Keramara, c, and p.A. Treichler. (۱۹۸۵) *A Feminist dictionary*:in our own words.london: Pandora press.

۲-Turner,J.(۱۹۹۹) *The Sztructure of sociological Theory*.London

